

فرا روانشناسی: درک ماوراء حسی، تله پاتی، رؤیای حقیقی، ...

نوشته ی استوار غلام دانائی

منبع: سایت کافر

گردآوری: شارمین مهرآذر

Sh.mehrazar@gmail.com

این روزها، بحث در مورد خوارق و پدیده های ماوراء عادی داغ تر و داغ تر می شود. وسایل ارتباط جمعی – بخصوص در کشورهای صنعتی غرب – مرتباً از پدیده های غیر عادی و ماوراء علم مانند بشقاب پرنده، شفای معجزه آسا، ادراکات ماوراء حسی و نظایر اینها سخن می گویند بدون اینکه اجازه بازتاب دیدگاه های انتقادی را بدهند. حتی افراد تحصیل کرده با پیش زمینه ی علمی مدعی شده اند که ارتباط بین زنده و مرده را برقرار کرده اند. با رشد وحشتناک پدیده ی جهانی شدن سرمایه و خانه خرابی و بی پناهی توده های میلیونی مردم، شماری از انسان های عادی که تلاش و کوشش خویش را در رسیدن به اهداف اولیه شان بی ثمر می یابند، در دام این گونه تبلیغات افتاده اند و بیش از پیش به پدیده های ماوراء عادی جذب شده اند. این موضوع فرصتی طلائی بدست شیادان سود جو داده که با تشکیل نهادها، انجمن ها و کمپانی های عریض و طویل، مردم ساده دل را سرو کیسه کنند و آنان را بیش از پیش در مفاک فقر فرو اندازند. عده ای نیز از روی کنجکاوی به دام این شیادان افتاده اند. در این زمینه آنقدر کتاب برشته ی تحریر در آمده است که قابل شمارش نیستند.

در این شرایط، فرا روانشناسی (1) به عنوان پلی معرفی شده است که با "بررسی علمی پدیده هائی که طبق مفروضات علمی جاری وجود خارجی ندارند" (2)، باید بین پدیده های عادی و فرا عادی پیوند برقرار سازد. طرفداران فرا روانشناسی بر آنند که آنجا که علم روانشناسی از تبیین و تشریح پدیده ها در می ماند، سرو کله فرا روانشناسی پیدا می شود. انسان برآستی شگفت زده می شود که چگونه در عصر فضا و کامپیوتر توجه همگانی اینقدر به پدیده های ماوراء عادی و ماوراء علمی جلب شده است. برخی علت موضوع را دقیقاً در همین مسئله می دانند و بحث می کنند که انقلاب علمی و فنی عصر حاضر همه چیز را از حالت رمز و راز بیرون آورده است و "نوعی خلاء ماوراء طبیعی ایجاد کرده که علم و منطق نمی تواند آنرا پر کند" (3). چنین شرایطی با عادات و خلیقیات تاریخی انسان که از دوره ی غارنشینی نسبت به پدیده های مرموز دل مشغولی داشته ناسازگار است. لذا گرایش به سوی شبه علم یا ضد علم فزونی یافته و خود بصورت نوعی مذهب تازه در آمده است. همانگونه که قبلاً بیان شد، جهانی شدن سرمایه و تمرکز شدید ثروت و فقر به بیگانگی و از خود بیگانگی انسان ها بیش از پیش دامن زده است. هماهنگی بین انسان و طبیعت و بین خرد و احساس آدمی بصورت بی سابقه ای بهم خورده و چشم انداز تیره ای را در برابر آدمیان قرار داده است. از دیدگاه برخی این ناهماهنگی با نوعی ضد فرهنگ پر شده که می رود هماهنگی دیرین را با بازگشت به گذشته حل کند. با توجه به سلطه ی تکنوکرات ها و ذهنیت تکنوکرات مآبانه ی جامعه (که برآنست که همه چیز را بصورت کمی حل کند)، این "ضد فرهنگ" بشکلی علمی علم ستیزانه تظاهر می کند که اعتقاد به خوارق و پدیده های فرا نورمال جلوه هائی از آن است (4).

همه ی اینها باعث نمی شود که ما پدیده های فرا روانشنانه را به دست فراموشی بسپاریم. از نظر ما بررسی این موضوع از دیدگاه علمی مطرح است و بس. با این دید است که سعی خواهیم کرد مسئله را اجمالاً مورد بررسی قرار دهیم.

فرا روانشناسی چیست؟

یکی از جامع ترین تعاریف فرا روانشناسی توسط "راما کریشنا رائو" بعمل آمده است. او در کتاب خود تحت عنوان "آزمایشات بنیادی در مورد فرا روانشناسی" می نویسد: "اساساً دو شکل فرا روانشناسی قابل تشخیص است: درک ماوراء حسی (5) و روان انگیزی (6). درک ماوراء حسی عبارت است از توانائی دریافت اطلاعاتی که خارج از حوزه حواس انسانی است. در حالی که روان انگیزی توانائی تاثیر گذاری بر سیستم های خارجی است که در خارج از حوزه ی فعالیت موتورهای آدمی قرار دارند. درک ماوراء حسی ممکن است به تله پانی (درک ماوراء حسی افکار دیگری) و روشن نگری (درک ماوراء حسی اشیاء و وقایع خارجی) تبدیل گردد. شناخت متقدم (قبل از مشاهده و تجربه ی شیئی یا پدیده) و شناخت متاخر (آنچه در گذشته اتفاق افتاده) به درک ماوراء حسی وقایع گذشته و آینده مربوط می گردد" (7).

اجازه دهید ابتدا به تشریح مفصل تر جنبه های مختلف درک ماوراء حسی پردازیم و سپس با تفصیل بیشتری از روان انگیزی سخن گوئیم:

تله پاتی

تله پاتی از دو کلمه ی یونانی "تله" بمعنی دور و "پاتوس" به معنی احساس گرفته شده است. تله پاتی به این معنی است که کسی احساس دیگری را بدون کمک گرفتن از حواس خویش بصورت مرموزی بخواند یا احساس کند. طرفداران تله پاتی می گویند "برای انسان عادی هنگام مرگ دوست یا خویشاوندانش حالت توهم پیش می آید در حالی که آنها صد ها فرسنگ با یکدیگر فاصله دارند" نتیجه اینکه "روان شخص بیمار یا کسی که در حال مرگ است شاید بطور نا هشیار پیامی می فرستد که از فضای واسطه می گذرد و روان شخص دیگر را تحت تاثیر قرار می دهد" (8).

روشن نگری (9)

روشن نگری عبارت است از آگاهی از وقایع، اشیاء یا افراد بدون کاربرد حواس شنوائی، بینائی، بویائی، چشائی و لامسه. روشن نگر به کسی می گویند که مثلاً بتواند محل زندگی و شرایط یک کودک گم شده را بدون مدد گرفتن از حواس خویش بگوید و یا از راه دور حوادث در حال رخ دادن را ببیند یا احساس کند. بیش از چهل سال پیش دو تن از جهانگردان ایرانی بنامها ی عبدالله و عیسی امیدوار در خاطرات خود که در مجله های آن عصر منتشر می شد خاطر نشان کردند که روزی زنان قبیله ی آفریقائی را گریان و برسرزنان می بینند. چون علت این امر را جویا می شوند زنان قبیله می گویند که می بینند که مردانشان در جنگ با قبیله دشمن شکست خورده و مرتباً به خاک و خون می افتند. بعد از یکی دو روز، مردان قبیله، شکست خورده در حالی که تعدادی کُشته و مجروح با خود دارند، به قبیله بازمی گردند. در تله پاتی اطلاعات از اندیشه یا احساس فرد دیگری گرفته می شود، در حالی که در روشن نگری این آگاهی بدون ارتباط با اندیشه و احساس دیگری حاصل می گردد. ادعا می شود که روشن نگری به فاصله ی زمانی و مکانی بستگی ندارد.

شناخت متقدم

شناخت متقدم عبارت است از دیدن یا احساس کردن واقعه ای قبل از اتفاق افتادن آن بدون این که این شناخت متکی به داده های آماری و تسری علمی روند گذشته در پیش بینی وقایع آینده باشد. پیروان دین بهائی با اتکاء به شعر ذیل از حافظ اعتقاد دارند که "لسان الغیب" (حافظ) ظهور سید باب و زندانی شدن او را در قلعه ی چهریق (واقع در نزدیکی های رود ارس) را قرن ها قبل از وقوع آن در آینده ی روشن نگری خود دیده است:

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
بهمین ترتیب مسلمانان و دراویش نعمت الهی اصرار دارند که شاه نعمت الله ولی وقایع هفتصد سال بعد
از خود را بروشنی دیده است:

نعمت الله نشسته در کنجی همه را در کنار می بینم

شناخت متاخر یا شناخت بما سبق

وآن عبارت از آن است که فردی بدون آنکه از افراد، اشیاء یا رویدادهای گذشته کوچکترین آگاهی داشته باشد و یا برای کسب آگاهی از آنها از حواس خود مدد بگیرد بتواند آنها را ببیند یا احساس کند. مثلاً ظاهراً برخی از طالع بینان بدون آنکه شما را قبلاً دیده یا در باره ی شما شنیده باشند، برخی از وقایع زندگی گذشته ی شما را برایتان باز گو می کنند.

رؤیای حقیقی (10)

– که خود نوعی درک ماوراء حسی است و ممکن است جنبه ی ویژه ای از روشن نگری باشد. شخص روشن نگر ممکن است واقعه ای را مدتها قبل از اتفاق افتادنش در خواب ببیند. در قرآن (سوره یوسف) می خوانیم که پادشاه مصر، شرایط آینده را در خوابی می بیند که یوسف آنرا چنین تعبیر می کند: "هفت سال پیوسته غله نیک آید و هفت سال قحط آید سخت" (11). مادر بزرگ اینجانب تعریف می کرد (و جالب این است که وفا دارترین طرفداران فرا روانشناسی همانا اجداد ما هستند) که قبل از زیارت "مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه" همه چیز را مو بمو در خواب دیده بوده است وحتی با چهره ی زیارت خوانان آشنا بوده است.

روان انگیزی (12)

روان انگیزی یک پدیده ی باصطلاح فرا روانشناسانه است که با درک ماوراء حسی و حوزه های مختلف آن متفاوت می باشد. روان انگیزی نه یک درک بلکه نوعی توانایی است که ادعا می شود فرد با برخوردار از آن (بدون استفاده از حواس یا عضلات و یا سایر اندام های بدن) می تواند ضمن تمرکز فکر، استفاده از قوای ذهنی یا نیروی اراده، بر واقعیت های خارجی تاثیر بگذارد. مثلاً کاری کند که تاس مرتباً شش بنشیند یا قطار در حال حرکت را متوقف سازد و یا مسیر هواپیما را عوض کند. آنچه ما آنرا چشم زخم می نامیم می تواند به نوعی قدرت روان انگیزاننده تعبیر شود. بارها این قصه را شنیده ایم که فردی از زیبایی چیزی سخت شگفت زده شده و این شگفتی را به زبان آورده و موجب تخریب آن شیئی شده است. مثلاً خانمی جوان از لوستری تعریف می کند و آن لوستر زیبا به ناگهان از بالا می افتد و می

شکند و یا مردی که از کُلفتی و استحکام شاخه های درختی شگفت زده می شود و موجب شکستن ناگهانی شاخه ی درخت می گردد.

آزمایشات انجام شده

بحث در مورد فراروانشناسی متجاوز از یکصد سال است که ادامه دارد. یکی از استادان آمریکائی بنام جی. بی. راین در اواخر دهه ی 1920 نخستین آزمایشگاه فراروانشناسی را در دانشگاه دوک واقع در دورهام (شمال کالیفرنیا) تاسیس کرد. انستیتو متافیزیک پاریس نیز دهه های متمادی است که در این رابطه کار و فعالیت می کند. یکی از رایج ترین آزمایشاتی که در سالهای گذشته در مورد وجود یا عدم وجود پدیده های فراروانشناسانه بعمل می آوردند با استفاده از کارت های ورق بود. مثلاً تعداد 25 کارت بازی را می گرفتند و از فردی که نقش واسطه را ایفا می کرد می خواستند که علائم مختلف آنرا بخاطر بسپارد. بعد از فردی که مدعی بر خورداری از قدرت تله پاتیک بود می خواستند که از اتاق دیگر افکار او را حدس بزند. چنانچه فرد مذکور در 5 تا 7 مورد پاسخ درست می داد، نتیجه می گرفتند که نامبرده می تواند از چنین قدرتی بر خوردار باشد. این آزمایشات از ابتدا با مشکلات و موانع فراوانی همراه بود. مثلاً کسانی که مدعی بر خورداری از قدرت غیرعادی بودند از اینکه خود را در معرض آزمایشات کنترل شده ی علمی قرار دهند اکراه داشتند. آزمایشات انجام شده در مورد پدیده های فراروانشناسانه اغلب تحت تاثیر عوامل و شرایط روانی آزمایش کنند و شخص یا اشخاص تحت آزمایش بوده است. مثلاً نتیجه ی حاصله در مورد کسانی که به جنبه های فرای عادی زندگی اعتقاد عمیق داشته اند مثبت تر بوده است. یکی از مؤلفین که سالها پیش در این زمینه تحقیق کرده است در رابطه با آزمایشات مربوط به درک ماوراء حسی می نویسد: "آمینال سدیم... همیشه تعداد جواب های درست را کم می کند. از طرف دیگر کافئین دوباره این تعداد را بعد عادی می رساند.... اگر اشخاص مورد آزمایش سازگار و هم مشرب و هم فکر باشند و نیز هنگامی که شرایط مساعد باشد، درک ماوراء حسی در تمام موارد بهتر کار می کند" (13).

محدودیت بالا را دایرة المعارف مذهب (در رابطه با ارتباط با مردگان) مورد تایید قرار داده است: "برخی از افراد تحصیل کرده با ذهن های علمی اعتقاد دارند که وسیله ارتباط بین زنده و مرده را برقرار کرده اند. اگر فردی که در این عملیات درگیر است دقیق و علمی عمل کند، ما تمایل داریم که سخن او را به عنوان یک متخصص قبول کنیم. ولی در این رشته وسیله ای که بکار می رود، دارای چنان شخصیت نامشخصی است و شرایط و امکانات ارتباط آنچنان عمیقاً در پوششی از ابهام و تاریکی پیچیده شده است و تمایل به حصول ارتباط با فرد مرحوم چنان شدید است که باید با چنین مسائلی با حد اکثر احتیاط برخورد کرد" (14).

یکی از روانشناسان مشهور بنام سی. ای. ام. هنسل (15) ابراز داشته است که آزمایشاتی که در مورد درک ماوراء حسی صورت پذیرفته است بصورتی از پیش طراحی شده اند که نتیجه مورد نظر را ببار آورند: "هیچگونه تضمینی در این باصطلاح آزمایشات علیه بی صداقتی وجود نداشته است. گزارش نتیجه ی آزمایشات اغلب ناکافی هستند. بسیاری از روانشناسان بر آنند که کسانی که در رابطه با درک ماوراء حسی تحقیق می کنند، داده های خود را بنحوی انتخاب می نمایند که باورداشتهای آنان مورد تایید قرار گیرد. آنان برعکس، مدارک و شواهد مخالف را بی اهمیت می انگارند. آزمایشات بعدی

که یا با همان تیم یا با سوژه های دیگر صورت می گیرد، نتایج قبلی را تایید نمی کند. اغلب روانشناسان قانع شده اند که این مسئله از نظر علمی نمی تواند مورد قبول واقع شود" (16).

آزمایشات کلاسیک در مورد پدیده های فرا روانشناسانه که بین سالهای 1930 تا 1960 با مدد گرفتن از کارت های بازی صورت می پذیرفت برخی وجود پدیده های فرا روانشناسانه را تایید می کرد. لیکن امروز با با لا رفتن دانش بشری و امکان انجام آزمایشات دقیق تر توسط کامپیوتر، پدیده های فرا روانشناسانه بندرت دیده شده است. علم در جهت مخالف قائل شدن به پدیده های فرا روانشناسانه عمل کرده است. دلیل دیگری که پدیده های فرا روانشناسانه را مشکوک جلوه می دهد این است که پس از متجاوز از یکصد سال تحقیق، هیچ دانشمندی نتوانسته است به کشف "جلوه های قابل تکرار درک ماوراء حسی که بتوان آنها را در برابر تعدادی دانشمند بی طرف بمعرض نمایش گذاشت" نایل آید (17).

در رابطه با وجود درک ماوراء حسی "شاهد و مدرک بسیار ضعیف است. درک ماوراء حسی از این اعتقاد یا ایمان افراد سرچشمه قرار می گیرد که برخی از عوامل وجود انسانی در معرض قوانین و روش های مادی قرار ندارند" (18).

سه دیدگاه متفاوت

اعتقاد به پدیده های فرا نورمال به پیش زمینه های فردی و درجه تحول اجتماعی فرهنگی جوامع مختلف بستگی دارد. مثلاً در میان قبایل بدوی (که علم در مرحله ی جادوگری است) این پدیده ها بدون چون و چرا وبصورت امری بدیهی مورد پذیرش است. باور همگانی بر این است که این نیروی خارق العاده توسط پزشکان جادوگر قبیله از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد. بیش از ربع قرن پیش "کمیته بررسی علمی در مورد ادعای مربوط به پدیده های ماوراء عادی" (19) کنفرانسی را در ایالات متحده ی آمریکا سازمان داد که در آن دانشمندان، فلاسفه، جامعه شناسان، و حتی شعبده بازان شرکت کردند. در این کنفرانس وکنفرانس ها، نشست ها، سمینارها وکارگاه های آموزشی متعددی که از آن زمان تا بحال در سطوح مختلف تشکیل شده است، سه دیدگاه متفاوت در مورد پدیده های فرا روانشناسانه و منشاء آنها ارائه شده است:

۱- دیدگاه ماوراء طبیعی

این دیدگاه فرض اصلی روانشناسی که "فکر نتیجه ی کارکرد مغز است و بدون مغز نمی تواند وجود داشته باشد یا به جولان درآید" را مردود می شمارد و برآن است که علاوه بردنیای مادی (که در حوزه بررسی علوم مثبت و انسانی است) یک جهان معنوی مخصوص به خود وجود دارد که از ماده و جهان مادی و در نتیجه علوم امروزی مجزا و مستقل است. درک و اندیشه بشری تجلی یک عقل کل غیر مادی و روح فنا ناپذیر، جاودانه ای است که از جهان مادی بطور عام و از مغز بشری بطور خاص استقلال کامل دارد. در اینصورت فکر و درک انسانی می تواند بدون وجود یک جسم مادی (بدن، مغز،...) بزندگی خود ادامه دهد و تحت شرایطی مستقل از مغز به فعالیت پردازد. پدیده های فرا عادی و فرا روانشناسانه مربوط به این حوزه از زندگی فرامادی انسان است که علم مادی نه قادر به شناخت و نه قادر به تبیین و تشریح آنهاست. دیدگاه فوق پدیده های فرا روانشناسانه را در سطح انواع واقسام خرافات و موهوماتی قرار می دهد که در سرتاسر تاریخ خرد و احساس انسانی را فلج کرده و آنها را بازیچه ی حرص و آز اربابان دین و خرافات در آورده است. زیرا بر اساس این دید، برای تحت تاثیر قراردادن و خنثی کردن

پدیده های ماوراء عادی یا باید به اطاعت و عبادت خدا پرداخت و یا با اوراد و دعا و طلسم و جادو ارواح شیطانی را بی اثر ساخت. دیدگاه فوق اگرچه بشر را به بیراهه کشانده است، برای مروجین آن استفاده های عملی قابل توجهی نیز داشته داشت. معجزات پیامبران الهی و کشف و کرامت روحانیون ریز و درشت ادیان، همه و همه بر مبنای ایمان مسلم توده های مردم به پدیده های فرا عادی صورت پذیرفته است. حتی امروز، این نهادهای دینی کشورهای گوناگون هستند که با دامن زدن به بحث های غیر علمی در مورد پدیده های باصطلاح فرا عادی، از آب گل آلود ماهی می گیرند.

2- تحلیل علمی از پدیده های فرا روانشناسانه

دانشمندان و روانشناسان بسیاری سعی کرده اند با بی طرفی و رعایت شیوه های علمی درستی یا نادرستی پدیده های فرا روانشناسانه را مورد تحقیق قرار دهند. در بین این دانشمندان هستند کسانی که، حتی بدون اعتقاد به وجود خدا، وجود پدیده های فرا روانشناسانه را مورد قبول قرار داده اند (20) در سال 1979 چهارتن از برجسته ترین دانشمندان شوروی سابق کتابی برشته ی تحریر در آوردند که طی آن تلاش ورزیدند پدیده های فرا روانشناسانه را با دیدگاه علمی و مادی مورد بررسی قرار دهند. در بخشی از این کتاب، که "فرا روانشناسی: افسانه یا واقعیت؟"، نام دارد، چنین می خوانیم:

"برخی از پدیده های باصطلاح فرا روانشناسانه ظاهراً وجود دارند. لیکن قبول موجودیت شان با اشکال روبروست زیرا کانالی که از طریق آن اطلاعات یا تاثیرات رسانیده می شوند ناشناخته است. درسالهای اخیر تلاش های بسیاری در این زمینه با بررسی حوزه های الکترو مغناطیسی که از موجودات زنده صادر می شود صورت گرفته است. برخی این حوزه ها را وسیله ی ارتباط گیری بیولوژیک و حامل اطلاعات دانسته اند. چنین بررسی هائی در مورد حشرات، جانوران و انسان صورت پذیرفته است. با وجود این در سالهای اخیر بسیاری از محققین، لاقلاً برحسب ظاهر، کار خود را به فرا روانشناسی پیوند نداده اند. مبنای فیزیکی {مادی، جسمی} این پدیده ها هنوز نامعلوم است" (21).

بر اساس دیدگاه فوق، پدیده های فرا روانشناسانه وجود دارند ولی هنوز برایشان توضیح رضایت بخش علمی وجود ندارد. یکی از فیلسوفان معاصر بنام "استفن تولمین" (22) طی جلسات کنفرانسی که شرح آن گذشت، در پاسخ کسانی که بر عدم وجود زمینه های علمی و منطقی برای پدیده های فرا روانشناسانه تکیه می کنند، بر زمینه های تاریخی و اجتماعی علم و منطق بشری تکیه کرد و اعلام داشت که با تکیه بر این زمینه ی تاریخی نمی توان خط مرز روشنی بین نظریات و فرضیات علمی و غیر علمی، منطقی و غیر منطقی ترسیم کرد. مثلاً زمانی منتقدین نظریه ی جاذبه ی نیوتن می گفتند که اگر این نظریه درست بود میلیون ها سال پیش سیارات منظومه ی شمسی می بایست توسط خورشید جذب میشدند. تولمین ضمن یاد آوری این نکته که در گذشته جهش های مهم علمی ضمن توسل به این گونه دیدگاه های رادیکال و شک گرایانه انکار شده اند، اعلام داشت که "امروز نیز بهمین صورت پدیده های ماوراء عادی انکار می شوند" (23).

برخی از دانشمندان برآنند که مجهول بودن پدیده های فرا روانشناسانه نباید ما را از بررسی علمی آنها باز دارد. آنان تاکید دارند که بسیاری از دانسته های علمی امروز را مردم 300 سال پیش جزو محالات می پنداشتند. دانش امروزی ما نیز بخش کوچکی است از آنچه در آینده کشف خواهد شد. این وظیفه ی ماست که بجای انکار پدیده های فرا روانشناسانه با کار برد علم و شیوه های علمی به ژرفای آنها دست یابیم. طرفداران علمی بودن پدیده های فرا روانشناسانه اشعار می دارند که امروزه بدون هیچگونه

تردیدی ثابت شد است که مغز انسان یک دستگاه بسیار حساس عصبی است که تعداد بی اندازه زیادی سلولهای عصبی را در خود جای می دهد. مجموع سلول های پوسته ی خاکستری مغز را به پانزده تا هفده میلیارد سلول تخمین زده اند. هر یک از این سلول ها وظیفه خاصی به عهده دارد و با دیگر سلول های عصبی در ارتباط است. همه ی این سلول ها با یکدیگر (و همراه با انتهای عصبی ارگان های حسی) یک شبکه ی بی نهایت پی پیچیده را بوجود می آورند که با صدها کامپیوتر قوی قابل مقایسه نیست. این شبکه ی دقیق و پیچیده ارتباطات بی شماری را کنترل می کند که بسیاری از آنها تاکنون توسط دانش بشری کشف نشده است. به عنوان مثال اگر شما برای برداشتن نوار مغزی (ای.ای. جی.) بروید، دکمه های حساسی را به نقاط مختلف مجسمه ی شما وصل می کنند که توسط تعدادی سیم رابط به یک دستگاه مادر وصل است که کنش و واکنش های الکتریکی مغز شما را که بشکل موج صادر می شود ثبت می کند. برخی برآند که این امواج از مجسمه خارج می شود و تا فاصله ی نیم میلی متری آن قابل ثبت است. عده ای برآند که کس چه داند شاید مغز بشر امواج دیگری را از خود صادر نماید که دقیق ترین دستگاه های امروزی قادر به ثبت آنها نیستند، لیکن در آینده علم عصب شناسی (نورولوژی) پرده از راز آنها بر خواهد گرفت. دانشمندانی که فرا روانشناسی را قبول دارند و آنرا در حوزه ی علم قابل بررسی می دانند اصرار دارند که فرا روانشناسی امروز دارای دوجنبه ی خرافاتی و علمی است. این وظیفه ی دانش کنونی است که از یکطرف جنبه های خرافی فرا روانشناسی را افشاء سازد و آنرا از رمز و راز بدر آورد. از طرف دیگر بایستی با تکیه بردستاوردها و شیوه ی تحقیق "علمی مانند روانشناسی، فیزیولوژی، بیوفیزیولوژی و پزشکی" یک تحقیق جامع علمی در مورد پدیده های فرا روانشناسانه صورت پذیرد (24). از دیدگاه این دانشمندان تنها با این روش است که می توان به ماهیت واقعی پدیده هائی که مورد بحث فرا روانشناسی هستند و همچنین بسیاری از رازهای ذهن بشر که هنوز کشف نشده اند پی برد.

3- انکار علمی فرا روانشناسی

– در کنفرانسی که شرح آن گذشت فیلسوف بر جسته ی معاصر ماریو بانج (25)، بنا به دلایل ذیل "فرا روانشناسی" را مردود شمرد و آنرا در شمار "علوم دروغین" بشمار آورد:

الف: فرا روانشناسی هیچ گونه مبنای عینی ندارد و صرفاً متکی بر نظریه ذهنی شناخت است؛

ب: فرا روانشناسی بندرت از دانش های دیگر بخصوص ریاضیات و منطق مدد می جوید؛

پ: فرا روانشناسی متکی به فرضیات غلط و غیر قابل بازبینی است؛

ت: فرا روانشناسی از تایید یا رد شیوه ی عمل اش توسط بدیل های دیگر طفره می رود؛

ث: فرا روانشناسی بر خلاف رشته های مختلف دانش، نه از رشته های ذیربط دانش چیزی به عاریت می گیرد و نه با آنها ارتباط متقابل برقرار می سازد؛

ج: فرا روانشناسی – حتی بشکلی نیم بند بر نظرات اثبات شده تکیه ندارد؛

چ: فرا روانشناسی بر ایمان تکیه دارد که در چهار چوب آن نظرات علمی بصورت الفاظ پر زرق و برق و سخنان قشنگ و ادیبانه در می آیند؛

ح: فرا روانشناسی قلمرو غیر مادی (مثلاً اندیشه) را وارد موضوع مورد بررسی خود می کند و بدینوسیله خود را کلاً از حوزه بررسی عینی و فیزیکی منفک و مجزا می سازد (26).

بررسی درستی و نادرستی پدیده های فرا روانشناسانه و فرا عادی تنها به کمک آزمایشات عملی و مدد جوئی از علم و فلسفه میسر است. این دقیقاً چیزی است که فرا روانشناسان به آن علاقه ی چندانی ندارند. یکی از مخالفان فرا روانشناسی اعلام می دارد که اگر به سرتاسر تاریخ فرا روانشناسی نظری بیفکنیم در خواهیم یافت که هرگز اتفاق نیفتاده است که فرا روانشناسان "نتایج آزمایشات دقیقاً انجام شده ی خود را از طریق کانال های رسمی ارتباطی ارائه دهند و این نتایج را با کاربرد قوانین عملی تکرار و تداوم آزمایش و شواهد کافی مورد داوری قرار بدهند" (27).

آنان برعکس بخاطر آنکه کارشان برای مردم عادی خارق العاده جلوه کند همه چیز را در هاله ای از رمز و راز می پوشانند و افراد غیر خودی را به حریم خود راه نمی دهند. از آنجا که فرا روانشناسی، در بهترین شکل تحقیق گرایانه خود، فعالیت های خلاق مغز را در انزوا و بصورت مجرد (جدا از عمل و آزمایش عملی)، واغلب بشکل دلخواهانه، مورد بررسی قرار می دهد، لذا بنیاد فلسفی آن بر ایده آلیسم و دوآلیسم استوار است.

روانشناسی یا فرا روانشناسی؟

مردم عادی به اغلب پدیده هایی که در حوزه ی علم روانشناسی قرار دارند انگ فرا روانشناسانه می زنند. این جایگزینی ممکن است توسط دو نفر که سالهاست یکدیگر را می شناسند و وقایع و تجارب فراوانی را با یکدیگر گذرانیده اند صورت پذیرد. مثلاً چه بسا که هر دو آنها در معرض محرک یا سلسله محرک های واحدی قرار گیرند که اندیشه یا سلسله اندیشه های مشابهی را در هر دو تحریک کند مثلاً مادر و دختری با شنیدن آهنگی که شوهر و پدر فقید آنها از آن لذت می برده است، باهم و در یک زمان به یاد او بیفتند و در آن واحد نام او را بر زبان جاری سازند و اینرا بحساب پیامی که از "روح آن مرحوم مغفور" دریافت داشته اند بگذارند. گاهی هر دو از عامل محرک نا آگاهند و لذا درک واحد را به عنوان درک ماوراء حسی مورد توجه قرار می دهند.

جهانگردان بارها و بارها افسانه های عجیب و غریب را در مورد کارکرد تله پاتی در بین قبایل بومی نقل کرده اند. شکارچیان نیز از وجود تله پاتی و روشن نگری در بین حیوانات خبر داده اند. برخی از این قصه ها غیر واقعی و حاصل تخیلات و اغراقات راویان آنهاست. کمتر کسی است که با این دسته از راویان آثار و ناقلان اخبار سروکار داشته باشد و مانند اینجانب به این نتیجه نرسیده باشد که جهانگردان و شکارچیان در شمار دروغگو ترین افرادند. تا جایی که سعدی در مورد جهانگردان سروده است:

غریبی گرت ماست پیش آورد دو پیما نه آب است و یک چمچه دوغ
اگر حرف لغوی بگفتم مرنج جهان ندیده بسیار گوید دروغ

البته نباید انکار کرد که بخشی از داستانهای جهانگردان واقعیت دارد. لیکن آنان که غالباً با زبان و آداب و رسوم قبایل بومی آشنائی ندارند به بسیاری از پدیده های عادی و قابل تشریح، جنبه ی تله پاتیک یا روشن بینانه می دهند. مثلاً بومیان بین خود یک سلسله علائم قراردادی دارند که بوسیله ی این علائم اخبار (مخصوصاً وجود شرایط خطرناک) را به آگاهی یکدیگر می رسانند. این نشانه ها که معمولاً جهانگردان از وجود یا معنایشان بی خبرند ممکن است در آوردن صدای ویژه ای از طبل باشد یا بر افروختن آتش یا ایجاد دود بر فراز تپه ها و یا اعلام اخبار با صدای بلند و پخش این اخبار از قبیله ای به قبیله ی دیگر. حیوانات (میمون ها، آهوان، گوزن ها، گورخران و غیره) نیز با صدا یا علائم ویژه ای در بین خود ارتباط ایجاد می کنند. به این ترتیب است که جهانگردان نا آگاه که قبلاً ذهن خود را بصورت

آشیانه‌ی تلقینات فرا روانشناسانه در آورده اند، به آسانی دچار توهمات فرا روشناسانه می شوند. طی قرون متمادی، مردم بسیاری پدیده‌ی وهم (دیدن قیافه یا شنیدن صدائی که وجود خارجی ندارد) را در حوزه‌ی صد در صد ماوراء الطبیعی مورد توجه قرار می دادند. امروزه آزمایشات متعدد روانشناسی بالینی وهم را از پوشش ابهام و رمز و راز بیرون آورده و برای آن توضیح علمی ارائه داده است: بر اثر تلقین یا وجود بیماری ممکن است مراکز بینائی یا شنوائی مغز، بدون وجود محرک خارجی، تحریک شوند و فرد چیزهائی را ببیند یا بشنود که وجود خارجی ندارند. خواب و رؤیا نیز همواره منبع تفسیرهای خرافی و فرا عادی بوده است تا جائی که افراد بسیاری با تعبیر کردن خواب مردم ساده لوح، نان خورده اند و در این رابطه کتاب‌ها نوشته اند. امروزه با توجه به کارکرد مغز انسان و شرایط روانی فرد، تحقیقات علمی فراوانی در مورد خواب و رؤیا صورت گرفته است. اگرچه این تحقیقات انجام شده هنوز به بسیاری از مجهولاتی که در این زمینه وجود دارند پاسخ نداده است، لیکن بنیاد دیدگاه خرافی گذشته را در رابطه با خواب و رؤیا درهم فرو ریخته است. آزمایشات انجام شده نشان داده است که خواب هرکس تحت تاثیر عواملی چون گذشته‌ی فرد، شرایط روحی و جسمی وی و شیوه فیزیکی وی در هنگام خوابیدن و نظایر اینها قرار دارد (28). برخی از روانشناسان رؤیاهای بیماران خود را همراه با عوامل دیگر مورد تدقیق قرار می دهند و بصورتی تقریبی به مشکلات شخصیتی وی پی می برند و در درمان وی می کوشند. در گذشته راه رفتن و سخن گفتن در هنگام خواب در حوزه‌ی کارهای فرا عادی محسوب می شد و خرافات بسیاری را در بین اقوام و قبایل مختلف دامن می زد. افرادی که این حرکات را انجام می دادند گاهی تقدیس و زمانی از قبیل طرد می شدند. امروز ثابت شده است که در چنین حالاتی مغز در حالتی دو گانه قرار می گیرد: در حالی که توقف قشر مغز عمومیت می یابد، یک جزیره‌ی مغزی - جزیره‌ی ای که حرکات را کنترل می کند - بصورتی بیمارگونه قابل تحریک باقی می ماند. مهارت در انجام حرکات دقیق در نقاط خطرناک (زمانی که فرد هنگام خواب راه می رود) نیز معلول ناآگاهی نسبت به خطرات است. سخن گفتن در وقت خواب نیز به این علت است که مرکز تکلم در مغز بطور کامل متوقف نشده است (29).

رایج ترین عقیده‌ی فرا عادی در مورد خواب، چیزی که به آن "رؤیا های حقیقی" نام داده اند. به این ترتیب که اتفاقی برای فرد رخ می دهد که وی احساس می کند سالها قبل آنرا در خواب دیده است. در این مورد کتاب های زیادی توسط نویسندگان کشورهای مختلف برشته‌ی تحریر در آمده است که از مشهورترین آنها کتابی است که "ایزابل آلنده" تحت عنوان "خانه‌ی ارواح" (30) نوشته است. خانم قهرمان داستان کتاب قادر است وقایع را قبل از وقوع شان احساس کند و یا آنها را در خواب ببیند. بدیهی است این اثر ادبی، مانند بسیاری از آثار مشابه، محصول عاطفه و تخیل نویسنده‌ی آن و چه بسا نیازهای بازار مصرف است و هیچگونه ارزش علمی، تجربی و تحقیقاتی ندارد. ادعای دیدن وقایع آینده در خواب نیز فاقد پایه علمی است و صرفاً متکی به ادعای افرادی است که از نظر خودچنین چیزی را تجربه یا مشاهده کرده اند. گرچه خواب در طول تاریخ همواره با پیچیدگی، دروغ پردازی و افسانه سازی های تلخ و شیرین همراه بوده است، لیکن نمی توان کسانی را که مدعی اند وقایع را قبل از وقوع شان در رؤیای خویش دیده اند صد در صد دروغگو نامید. ممکن است پرسید چطور ممکن است که هم پدیده‌ی باصطلاح "رؤیای حقیقی" نا درست باشد و هم مدعیان آن دروغگو نباشند؟ وجود این معضل در مرز مبهم و سایه روشنی است که اغلب در اذهان بین روانشناسی و فرا روانشناسی بوجود می آید و

افراد برای پدیده های قابل تشریح روانشناسانه جنبه ی فرا عادی و فرا روانشناسانه قائل می شوند. اجازه دهید در این رابطه ی بخصوص به یکی از تجارب خود اشاره ای داشته باشم: اواخر سال 1356 خورشیدی، در تهران دختر خانم جوانی، از بستگان دورما، در حالی که سرتا پا سیاه پوشیده بود به خانه ی ما آمد و ادعا کرد که آنچه برایش در بیداری اتفاق می افتد قبلاً آنرا در خواب می بیند. من به او خاطر نشان ساختم که چنین چیزی ناممکن و حاصل توهمات اوست. اوسوگند یاد کرد که راست می گوید و اعلام داشت که کشته شدن برادرش را در تظاهرات خیابانی قبلاً در خواب دیده است. اینجا نب چند سؤال را از او پرسیدم و آنگاه تحلیل ذیل را به او ارائه دادم و از او خواستم که روی آن فکر کند و در دیدار بعد نتیجه را به من بگوید:

– "تو برادرت را سخت دوست داشتی بخصوص که تنها برادر و تنها پشتیبان تو در زندگی محسوب می شد. به این دلیل همیشه نگران حالش بودی و از آنجا که او مرتباً و بی پروا در تظاهرات خیابانی شرکت می کرد، تو مرتباً تشویش داشتی که مبادا او در یکی از این تظاهرات کشته شود. از آنجا که اندیشه و دل نگرانی انسان در خواب وی منعکس می شود، تو قبل از کشته شدن برادرت بارها و بارها خواب دیدی که برای او اتفاق بدی افتاده است. لیکن از آنجا که هیچ اتفاق بدی برای او نیفتاد تو برای رؤیای خود اهمیت قائل نشدی و آنرا از یاد بردی. یکبار که این اتفاق تاسف آور رخ داد تو آنرا با خواب خود پیوند دادی و احساس کردن وقایع آینده را در خواب می بینی."

یک هفته بعد دختر جوان آمد و گفت:

– "به گذشته برگشتم و روی مسئله فکر کردم؛ حق با شماست!"

پیش می آید که فردی در خواب می بیند که مثلاً در امتحان آخر سال قبول شده و یا زمین همسایه را خریده است. او که به خواب و تعبیر آن در بیداری اعتقاد دارد چنان تحت تاثیر خواب قرار می گیرد و توسط آن تشویق می شود که تلاش خود را چند برابر می کند و بدین وسیله بدون آنکه خود متوجه باشد رؤیای خود را به تحقق می کشاند. در این زمان ممکن است وی عوامل مادی رسیدن به هدف خویش را کم بها دهد و فکر کند که از پیش موضوع را در خواب دیده است. پیش می آید که مثلاً فرد باصطلاح "صاحب کرامتی" به انسانی سالخورده که به او اعتقاد دارد خبر دهد که خواب دیده است که وی در فلان تاریخ دار فانی را وداع خواهد گفت. همین گفته ممکن است باعث مرگ فرد یا به سن شود و عقیده عمومی را مورد رؤیای حقیقی دامن زند.

یک فرد مؤمن ممکن است در خواب ببیند که به زیارت خانه ی کعبه رفته است. این فرد ممکن است قبلاً عکس خانه ی کعبه را دیده و یاد باره ی آن از دیگران شنیده باشد و همین ها را در خواب ببیند. حتی اگر هیچ کدام از این اتفاقات برای فرد اتفاق نیفتاده باشد، او باز هم یک پیش زمینه ی ذهنی در مورد مناسک حج و اجتماع حاجیان و ورد و دعا وغیره دارد، لذا معمولاً چیزهائی را در خواب می بیند که اگر سالها بعد به مکه رود، کم و بیش همان چیزها را خواهد دید. کمتر پیش می آید که فردی مؤمن خانه ی کعبه را بصورت میخانه ای با لولیان بربط زن در خواب ببیند. کسی که ذهن خود را بصورت آشیانه ی اوهام و خرافات در آورده است و این اندیشه در ذهن اش جولان می زند که مثلاً در هنگام خواب روح انسان پرواز می کند و به ناشناخته ها دست می یابد، همواره دچار این توهم می شود که وقایع را قبلاً در خواب دیده است. برخی از این افراد تا آنجا پیش می روند که به نیت می خوابند که در خواب ببینند که آیا مثلاً خود یا بستگان نشان از فلان بیماری جان سالم بدر خواهند برد یا نه؟ البته در همه ی این موارد

نباید نقش تصادف را از یاد برد، لیکن آنچه در بررسیهای علمی مهم اند روند ها و قوانین اند نه تصادفات جسته و گریخته.

سخن واپسین

از دید اینجانب پدیده های فرا روانشناسانه محصول ذهن انسانها ست و وجود خارجی ندارند. از این لحاظ، فرا روانشناسی قبل از هر چیز یک شبه علم است که باید آنرا در حوزه خرافات مورد تحلیل قرار داد. آنچه را که امروزه عنوان فرا روانشناسی جا زده اند متکی به تجربه، احساس یا مشاهده ی شخصی است و نه آزمایش علمی. پدیده های روانشناسانه را معتقدین به آن ضمن نقل تجربه دیگران مورد بحث قرار می دهند. مثلاً:

– "مرحوم پدرم می گفت...."

یا:

– "بقول یک شاهد عینی...."

چنین برخوردی بدرد افسانه پردازان می خورد نه کسانی که در پی تحلیل یافته های علم بشری هستند. اگر به فرض پدیده های فرا روانشناسانه وجود خارجی هم داشته باشند، برخلاف دانش های تجربی، از هیچ گونه کاربرد عملی برخوردار نیستند. چگونه می توان فرا روانشناسی را جدی گرفت در حالی که بعنوان مثال نه شیوه ی تازه ای برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست پیشنهاد می کند، نه وسیله ای برای جلوگیری از سقوط هوا پیمها، نه یک انرژی جایگزین و نه درمانی برای بیماری های سرطان یا ایدز؟ فرا روانشناسی، بجای ارائه ی مدرک عینی یا تجربی، ما را در دریائی از شگفتی های غیر قابل آزمایش و تحقیق نا شدنی غرقه می سازد. فرا روانشناسی بجای تکیه بر علم و کاربرد انسانی آن، خود را در گیر یک سلسله خرافات و موهومات بی ارزش ساخته است: اینکه مثلاً فلان جمله ی عجیب و غریب را از پشت دیوار بخواند و یا مثلاً پیش بینی کند که کلثوم بی بی در نهم ذی القعدة الحرام با مشتی رجب ازدواج خواهد کرد. ساحران و کیمیا گران ده ها قرن است که در پی کارهائی هستند که علم در عرض چند سال مطالعه، تحقیق و تجربه به انجام شان توفیق یافت. فرا روانشناسان بدنبال درمان همه ی دردها و معالجه ی معجزه آسای همه ی بیماری ها هستند، لیکن در این زمینه بجای پیشرفت همواره سیر قهقرائی را پیموده اند. ما انسان ها همه ی پیشرفت های پزشکی را نه مرهون معجزه بلکه مدیون تحول علم هستیم که در دوران مدرن و پسا مدرن خود بصورت یک نیروی عظیم مادی در آمده است. اگر دانشمندان به سحر و جادو متوسل می شدند، بشر امروز نیز در مراحل اولیه تحول خود باقی مانده بود. کوتاه سخن، متاسفانه امروز، زمانی که سخن از پدیده های فرا روانشناسانه به میان می آید، حتی در محافل افراد تحصیل کرده بارها و بارها شنیده می شود که:

– "بالاخره یک چیزهائی هست."

دانش و تجربه عینی به ما نشان داده است که در حقیقت هیچ چیز نیست و این مائیم که به علت ضعف ها، ترس ها، بی پناهی ها و ناآگاهی مان دلمان می خواهد چیزهائی باشد و به همین دلیل است که به این اظهار محض و بی دلیل دست می زنیم.

پا نویس

1. Parapsychology

2. World Book, 2002, Edition, word, Parapsychology, p. 153
3. G. Bauslaugh, "Science, Intuition and ESP," Paranormal Borderline of Science, Buffalo, 1981, p. 29
4. T. Roszak, Unfinished Animal, New York 1975. p. 85
5. Extra Sensory Perception
6. Psychokinesis
7. K. Ramakrishna Rao, ed., The Basic Experiments in Parapsychology, Jefferson (NC), London 1984, p. 1
- 8 - از کتاب اسرار هیپنوتیزم تألیف مهرداد مهرین بانضمام بخشی در باره ی تله پاتی یا "خواندن فکر از دور" ترجمه نقی اصفهانی، چاپ پنجم، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، تابستان 1364، صفحات 156 و 157.
9. Clairvoyance
- 10 - "رؤیای حقیقی" از کلمه ی فرانسوی "دژاوو" **deja-vu**
آمده است که ترجمه ی تحت اللفظی آن می شود "من قبلاً دیده ام."
- 11 - ابو اسحق ابرهیم بن منصور ابن خلف النیسابوری، قصص الانبیاء، باهتمام حبیب یغمائی، تهران 1359، صفحه ی 109.
12. Pyschokinesis
- 13 - رجوع شود به منبع شماره 8 صفحات 167 و 168.
- 14 - رجوع شود به کلمه ی **Extra Sensory perception**
در منبع ذیل:
- James Hastings, Encyclopedia of Religion**
C. E. M. Hansel .15
16. Charles G. Morris, An Introduction to Psychology, Prince Hall Inc., New Jersy, 1976, p. 326
17. World Book, 2002 Edition, word Extra Sensory Perception, p. 458
18. Ibid
19. Committee for Scientific Investigation of Claims of Paranormal
20. Ivan Frolov, Man-Science-Humanism: A New Synthesis, Progress Publisher, Moscow 1986, pp. 202-203
21. V.P. Zinchenko, A.N. Leontiev, B.F. Lomov, A.R. Luriya, "Parapsikhologiya: fiktsii ili realnost?" (Parapsychology: Fiction or Reality?" in: Voprosy filosofii, No. 9, 1979, p. 135. As cited in Ibid, footnote, p. 203
22. Stephen Toulmin
23. & Yuri Orfeyev
- Alexander Panchenko, Parapsychology: Science or Magic?", Social Sciences, USSR Academy of Science, No. 1, 1988, p. 221

.Footnote No. 20, p.203 .24

.Mario Bunge .25

.Footnote No. 23, p. 221 .26

Michael Mulkey, Science and the Sociology of Knowledge, London 1979, p. .27

.84

28 - حتی تعبیر گران خرافه پرست ناگزیر برای رؤیای افراد مبنای مادی قائل شده و خواب را با توجه به شرایط طبیعی و مادی انسانها تعبیر کرده اند. مثلا شیخ بهائی در رابطه با تعبیر خواب چنین سروده است:

شتری گر بخواب کس آید	مشکلاتش تمام بگشاید
سبزه و مرغزار را در خواب	گرببینی ترقی است و شباب
کوه اعظم اگر بخواب آید	علم و حلم و کمالت افزایش
تخم کشتن به خواب فرزند است	کثرت مال و زر دل بنداست
هر که بیند به خواب سنگستان	یا بیابان گرم و ریگ روان،
افتد او در مصیبت و محنت	زود از دست او رود نعمت
مور در خواب گوسفندان است	که ترا کسب و منفعت ز آن است

رجوع شود به سرالمستتر در علوم غریبه و جفر و خوابنامه شیخ بهائی و خواص اسماء الله و دانستن بعضی مطالب مجهوله بقلم "حضرت حجة الاسلام آقای حاج سقا زاده واعظ شهیر"، تهران (ناشر و سال انتشار نامعلوم)، صفحات 147 تا 158.

29 - از کتاب خواب از نظر پاولوف، در باره ی خواب چه می دانید نوشته ی ل. روخلین ترجمه ی ولی الله آصفی، انتشارات گوتنبرگ، تهران، صفحات 128 تا 133.

.The House of Spirit .130